

گزارش

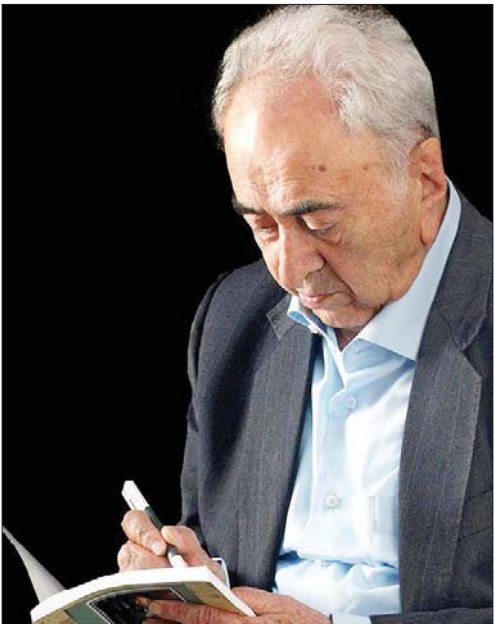
درگفت‌وگو باشهردار تهران مطرح شد

آخرین جزئیات

پرونده عیسی شریفی

● ایسنا: شهردار تهران با اشاره به اینکه در مورد دستگاهی مثل شهرداری با این حجم از گردش مالی و استحکاک با مردم، شرایط در معرض فسادبودن فراهم است و اگر حساسیت وجود نداشته باشد، مشکلات بسیاری به همراه دارد، تأکید کرد: ما برخورد می‌کنیم، اما موضوع را در بوق نمی‌زنیم، در تلاش هستیم با شفاف‌کردن تصمیمات و سامانه‌ای‌کردن سیستم صدور پایان کار، در جلوگیری از بروز تخلف تاثيرگذار باشیم.
پیروز حاجی در تشریح روند برخورد با رانت و فساد در شهرداری تهران گفت: در عالم رقابت سیاسی قطعاً رقابت‌کردن ایرادی ندارد، ولی ناآوانگردانه عمل‌کردن و شکل دیگر مسئله را جلوه‌دادن پذیرفته نیست. ما در شهرداری تهران با رانت و فساد برخورد کردیم ولی اگر از من پرسیده شود توانسته‌ای کامل آن را متوقف کنی؟ پاسخ منفی است؛ چراکه پروانه‌هایی‌که صادر شده حداقل تا ۹ سال بیخ ریش ما مأوَد بود و نمی‌توانستیم به‌راحتی آنها را لغو کنیم.
او افزود: تعهداتی که ایجاد شده بر گردن شهرداری تهران است و به‌راحتی قابل لغو نیست؛ اما به‌طور قطع ما در این دوره تعهدی ایجاد نکردیم. ما کامل نتوانستیم با رانت و فساد برخورد کنیم چون بخشی از تعهدات ایجادشده در گذشته بوده و بازبسی‌گیری آنها هزینه‌های بسیاری برای مردم و شهر داشت؛ البته در بسیاری موارد حق و حقوق شهر از بزرگ‌ترین این تعهدات ایجادشده گرفته شد و ما این موضوع را رها نخواهیم کرد و پیگیر هستیم، اما اساساً این موارد اصلاً نباید اتفاق می‌افتاد که متأسفانه اتفاق افتاده و یادگار دوران گذشته است.
شهردار تهران تأکید کرد: «میدواریم دوره ما هم به شهرنفروشی مَرن شود؛ دوره‌ای که تلاش کردیم منابع درآمدی پایدار افزایش پیدا کند و از سوی دیگر هزینه‌های اجرا و اداره شهر کاهش پیدا کند.
عارضه‌های ناهنجار در شهر به حداقل برسد و بودجه به انضباط مالی برسد.
خارجی درباره مواعع عدم تحقق مبارزه با فساد و رانت در شهرداری تهران ضمن تأکید بر تحقق شعار مبارزه با رانت و فساد در شهرداری گفت: رانت زمانی به وجود می‌آید که امتیازی ویژه را صرفاً به دلیل سرمایه و ارتباطات یا جایگاه ویژه‌ای که فرد برای خود قائل است، به او بدهیم که به سایر مردم داده نمی‌شود و شهرداری در حوزه‌های مختلف بسیار مستعد چنین اتفاقی است؛ از تراکم و دادن طبقات تا چشم‌پوشی روی تخلفاتی که بعداً به‌راحتی قابل تخریب نباشد.
شهردار تهران تأکید کرد: امسال اولین سالی بود که پیمانکاران جلوی شهرداری نیامدن در شب عید هم پشت در باقی نماندن. تعهدات بسیاری بر دوش داریم که تا آنها را پاس نکنیم مسیرها برای ما باز نمی‌شود.
امسال برای اوراق مشارکت با سازمان تأمین اجتماعی به مشکل خوردیم؛ چراکه در دوره قبل مدیریت شهری حق و حقوق سازمان تأمین اجتماعی داده نشده بود. ادعای سازمان تأمین اجتماعی بیش از چهار هزار میلیارد تومان است که هنوز حسابرسی نشده ولی واقعیت این است که پرداخت نشده است. بی‌تردید این هنر نیست که از شهر فقط برای اداره دوره خودمان به هر قیمتی عبور کنیم. او در تشریح بدعی شهرداری تهران نیز تصریح کرد: بدعی‌های شهرداری ثابت نیست و هر لحظه برای آن سود محاسبه می‌شود.
برآورد ما رقمی حدود ۵ هزار میلیارد تومان است که شامل همه تعهدات از جمله بانکی، قضائی، سازمان تأمین اجتماعی، سود و… است. تا زمانی که مراجعه صورت نگیرد و بررسی انجام نشود، بدعی قطعی نمی‌شود؛ ادعا زیاد است، ولی آنها را احصا می‌کنیم. تاکنون ۵۰ هزار میلیارد تومان برآورد شده که ۸۰ هزار میلیارد تومان برای بانک شهر بوده است و تا زمانی که آنها را تسویه نکنیم یا قدم در راه تسویه آنها نگذاریم، نمی‌توانیم از تسهیلات جدید استفاده کنیم.
شهردار تهران درباره آخرین جزئیات پرونده عیسی شریفی نیز گفت: پرونده در دادسرای نیروهای مسلح در حال بررسی است. در مقطعی اعضای شورا اعلام کردند اعتراض ما این است که در دوره پرونده ارائه کردیم به جایی نرسیده که پیگیری ما هم نشان داد این صحبت درست است، درحالی‌که منطقاً باید بررسی می‌شد.
بازپرس وظیفه تحقیق دارد و وقتی پرونده تکمیل می‌شود برای بررسی پرونده مفصلی فرستاده بودیم و تصور می‌کردیم این گزارش در پرونده تأثیر دارد ولی ظاهراً تأثیری نگذاشته بود. او تأکید کرد: می‌توانیم بگوییم امروز تخلفات شهرداری تهران از یک سازمان شرفیافتی به یک سازمان عملیاتی تبدیل شده است. الان حدود ۵۰۰ پرونده از دوره خودمان فرستادیم و در مورد دو شهردار منطقه نیز اقتدار ما این است که در دوره ما با آنها برخورد شد.
توافقاتی که توجیه نداشته و توسط بازرسی و حراست گزارش شده و در هیئت‌ها بررسی و رای آن صادر شده است.
حاجی در پاسخ به پرسشی مبنی بر اینکه آیا شهردار صادقی با مردم بوده یا خیر؟ گفت: تلاش کردم دروغ نگویم؛ ممکن است با مواردی مواجه شده باشم که به مردم به دلیل مصلحت‌های مدیریتی نگفته باشم، ولی به مردم دروغ نگفتم. به خودم نمره نمی‌دهم و ترجیح می‌دهم مردم نمره بدهند، اما در نظرسنجی‌ها به شهرداری تهران در حوزه خدمات شهری عمداً نمره قبولی می‌دهند.

شرق: در دوران پیش از انقلاب اسلامی، مسئله آموزش عشایر به یکی از مسائل مهم بحث آموزش و پرورش بدل شده بود. پروژه‌ای که هر بار بنا بر دلایلی نیمه‌کاره رها می‌شد. یک بار دخالت نیروهای خارجی و بار دیگر عدم برنامه‌ریزی درست باعث می‌شد این برنامه روی زمین بماند. محمد بهمن‌بیگی که خود از عشایر قشقایی بود، کسی بود که بالاخره توانست طرح آموزش عشایر را پایه‌گذاری کند. او که در سال ۱۲۹۹ در ایل قشقایی در خانواده محمودخان کلانتر تیره بهمن‌بیگلو از طایفه عمله قشقایی به دنیا آمده بود، در زندگی پرفرازونشیبش تحصیلات خود را در مقطع کارشناسی حقوق در کشور به پایان رساند و پس از آن دوره‌ای کوتاه را در خارج از کشور گذراند و سپس به ایران بازگشت. در ادامه فعالیت‌های خود به آموزش عشایر رو آورد و چادر سیاه ویژه آموزش خود را از سال ۱۳۳۱ بر پا کرد. به این شیوه، نخستین آموزگار عشایر ایرانی می‌توانست در هشت ماه از تابستان و زمستان به مردم ایل درس بدهد. به همت بهمن‌بیگی در سال ۱۳۳۲ برنامه‌ای تصویب و برای اجرا در آموزش و پرورش استان فارس ابلاغ شد؛ برنامه‌ای که بر اساس آن برای دانش‌آموزان پایه اول تا چهارم عشایر مدارس سیار و برای دانش‌آموزان پایه‌های پنجم تا نهم مدارس شبانه‌روزی برپا می‌شد. همچنین معلم‌هایی مخصوص تعلیمات عشایری تربیت می‌شدند. به این شیوه ۷۸ مدرسه در میان ایلات و عشایر پایه‌گذاری شد. به دلیل تلاش‌های تأثیرگذار بهمن‌بیگی، او را پدر آموزش عشایر می‌نامند. معلمی که توانست مدرسه را به ایل‌های قشقایی و سپس عشایر کل کشور برود و خدمتی ماندگار برای آموزش و پرورش کشور باشد.
فریدون محمدی‌ده‌سروی، از دوستان مرحوم محمد بهمن‌بیگی است. روستایی ساده‌دل و روشن‌اندیشی که در حکم فرزند محمد بهمن‌بیگی بود و تا آخرین روزهای زندگی در کنار او ماند. محمدی در گفت‌وگویی با «شرق»، درباره منش مرحوم محمد بیگی و نقش مؤثرش در آموزش به عشایر و همچنین آثار به‌جامانده از این معلم توضیحاتی را ارائه کرد. او در ابتدای گفت‌وگو در پاسخ به این سؤال که نحوه آشنایی او با بهمن‌بیگی چگونه بود، گفت: «من در عنوان کودکی، به دلیل آنکه پدرم مشکلات مالی داشت درس و مدرسه را رها کردم. روزی در جاده قدم می‌زدم که ماشینی از جلوبیم گذشت. از ماشین مرد متشخصی سرش را بیرون آورد و از من پرسید راه روستای دهسرو از کدام طرف است؟ به او گفتم ابتدا مستقیم بروید و سپس سمت غرب بپیچید. او گفت: به‌! به این فکر خوبی که غرب و شرق را می‌شناس! گفتم شمال و جنوب را هم می‌شناسم. ایشان گفتند: از آن کوه‌های پیاپی در چاک و از آن استعدادهای میان افراد بی بضاعت هستی. ما دنبال چنین استعدادی می‌گردیم. بعد برایش درباره بدهکاری پدرم گفتم و او گفت: حیف که پول نداریم بدهکاری پدرت را حساب کنیم، اما به تو پیشنهاد می‌کنم کتاب بخوانی. پرسیدم چه کتابی؟ ایشان فرمودند کلید تمام مشکلات لایه‌های کتب الفبا نهفته است. او همان استاد محمد بهمن‌بیگی بود. من بعد از آن دیدار، دو کلاس که در درس خواندم، برای کارگری رفتم. سپس به کویت رفتم و کارهای مختلفی کردم. زمانی که بازگشتم دوران کوهلوت سن آقای بهمن‌بیگی بود. بعد از سفری که به آمریکا داشتم بازگشتم و بعد از آن با افتخار به خدمتگزاری ایشان درآمد. چهار سال



پایانی عمرشان من خدمتکار ایشان بودم.

ده‌سروی می‌گوید: «من با وجود آنکه درس نخوانده بودم به نصیحت مرحوم بهمن‌بیگی گوش کردم و ارتباطم با کتاب و قلم یک لحظه هم قطع نشد. بعد از آنکه مطالعه کردم با تاریخ و ادبیات کشور آشنا شدم. توانستم به عنوان دانشمند در سیستم‌های هوادهی اختراع را ثبت کنم و به آمریکا دعوت شدم و یک سال در آمریکا بودم. حالا برگشته‌ام و کار زراعتی انجام می‌دهم و راجع به کاهش مصرف آب درختان تحقیق می‌کنم».

ده‌سروی می‌گوید: «من اگر فرصت رفتن به مدرسه را نداشتم و دانشگاه نندیدم، اما از خدای خود خرسندم که چندسالی در خدمت کسی بودم که عصاره علم و ادب بود و به فارسی غنا بخشید. کسی که ستایشگر خدمت بود و به قدری خدمتش مؤثر بود که اگر سد راهش نمی‌شدن به عمر تاریکی پایان می‌داد». او در ادامه با اشاره به فعالیت‌های مرحوم بهمن‌بیگی می‌گوید: «فرق او با دیگر افراد و فیلسوف‌ها زیاد بود. آنها کتاب می‌خوانند و پژوهش می‌کنند و با نبوغی که دارند به تحلیل جهان می‌پردازند. ولی همه آنها تئوریسین هستند. اما آقای محمد بهمن‌بیگی اول کار کرد. ۵۰ سال از عمرش را در کوه‌ها گذراند و بچه‌های ترک، کُز، عرب و شاهسون را آموزش داد. زمانی که اخراج شد، به یمن این اتفاق نشست و نوشت و نوشت. پنج کتاب تألیف کرد که در تاریخ ادبیات کشور ماندگار شد. او در نثر به فارسی غنا بخشید». او در پاسخ به این سؤال که ایل قشقایی چقدر با خدمات مرحوم بهمن‌بیگی آشنایی دارند، گفت:

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

جامعه

به یاد پرچم‌دار آموزش عشایر، مرحوم محمد بهمن بیگی

معلمی برای بشریت

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

«باید سؤال کرد که اصلاً ایل قشقایی بدون بهمن‌بیگی چه دارد؟ باید سؤال کرد شیراز بدون سعدی چقدر می‌ارزد؟ قطعاً انسان‌هایی در رده آقای بهمن‌بیگی ارزش یک ملت هستند. شناخت یعنی آگاهی. ممکن است کسی سال‌ها در یک ایل زندگی کند و کسی او را نشناسد. ممکن است اما شما با یکی از کتاب‌های استاد بهمن‌بیگی آشنا شوید و حسّی به شما بدهد که از ادبیات لذّت ببرید».

او ادامه می‌دهد: «وقتی به سنین جوانی رسیدم، درباره خدمات ارائه‌شده توسط آقای بهمن‌بیگی به عشایر اطلاعاتی پیدا کردم. من زمانی ایشان را بازشناختم که کتاب بخاری من ایل من را نوشت. وقتی داستان امپور را نوشت و دست به قلم شد. او آن‌قدر آشک از چشمان ما گرفت که حد نداشت. اسمش کِیان‌شیر پرهمت بود. آبروی کلمات کِیان و شیر و همت را نگه داشته بود. به هر سه کلمه عزت و افتخار بخشیده بود. شب و روز نداشت. به ساعت نگاه نمی‌کرد. از آن موجوداتی بود که انسان در رهگذر زندگی نظیرشان را کم می‌بیند. از آتشی که اگر اجازه یابند و سنگ در راهشان نیندازند به عمر تیرگی پایان می‌دهد. او درباره شیراز می‌گوید: «آذرمه است. تنها یک روز به آخر پاییز مانده است. در خانه نشسته‌ام و از پنجره اتاقم بیرون را می‌نگرم. باران دو شب پیش خاک‌ها را رفته و کرده‌ا را زدوده است. نارنج‌ها با نارنگی‌های سرخ و زرد در میان برگ‌های سبز و خرم شعله می‌کشند. هوا آن چنان زال و شفاف است که می‌توانم سنگ‌ریزه– های کوه روبه‌رویم را بشمارم. مهوش هوای حیات‌بخش این شهرم. شهر نیست، یکپارچه بهشت است و بدون کس برای سجع و قافیه نبوده است که شیراز را «جنت طراز» گفته‌اند. شیراز زنان و دختران زیبا دارد ولی خودش از زنان و دخترانش زیباتر است. نه فقط اردیبهشت شیراز آبروی بهشت را می‌برد بلکه همه ماه‌هایش چنین سودایی در سر دارند». او در پایان این گفت‌وگو در پاسخ به این سؤال که چرا برای بهمن‌بیگی آموزش به عشایر مهم بود، گفت: «یک بار خبرنگاری از او پرسید شما وقتی از دانشگاه حقوق فارغ‌التحصیل شدی، در ساعه قاضی شدی و به بانک ملی رفتی. بعد از آن یک‌مرتبه رها کردی و سراغ عشایر رفتی و تا پنج سال به شهر نیامدی. علت این بریدن پنج‌ساله از شهر چه بود؟ او گفت من آنجا مادر نازنینی داشتم و در بילاق و قشلاق خوش بودم. خبرنگار گفت: این دلیل خوبی نیست… به نظر من آن مرد در عصری می‌زیسته که دوران سطره اندیشه چپ، صادق هدایت، بزرگ علوی، کریم کشاورز حاکم بود و آن شعار کنه‌شدن فضا و آشوبناک‌بودن وضعیت که هرکس می‌خواست با شعار به جایی برسد، برای همین بهمن‌بیگی رها کرد و رفت که در این فضا نماند. این مرد به واسطه اینکه دریافت‌ه بود که چاره با کشتار عشایر و غارت آنها پیدا نمی‌شود، به آنها پناه برد تا قلم دستانش بدهد. یک زمانی به من گفت وقتی مقدار زیادی قلم و دفتر به دستم رسیده بود، آنها را در بیابان رها کردم. از من پرسیدند چرا چنین می‌کنی؟ گفته بود من آن‌قدر غرقه بی قلمی و دفتری دارم که دلم می‌خواهد یک جویبان این دفتر را پیدا کند و خطی رویش بکشد. او یک انسان به معنای واقعی و عاشق خدمت به مردم بود. باید او را می‌شناختید تا می‌فهمیدید چه آتشی در دل داشت».

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن

محمد بهمن بیگی در حال نوشتن